دائو ده جینگ

老子,「道德經」 (ru) Юлия Полежаева http://lib.ru/POECHIN/lao5.txt
ANT(adaptation is not translation) (he) Dima, Nastya (Stav) Monsky
https://archive.org/details/Dao-De-Ching-Hebrew
(canaanite) (he) Dima, Nastya (Stav) Monsky https://archive.org/details/Dao-De-Ching-Canaanite-Hebrew
(ua) Dima Monsky https://archive.org/details/20190707_20190707_0849
(en) Dima Monsky, Sarita La Cubanita https://disqus.com/by/SarahLaCubana/
https://archive.org/details/DaoDeChing
(ar) Lango https://archive.org/details/daodechingorabic
berl0oo@gmail.com
anti©; beta, corrections are welcomed

1
دائو راستین با کلمات توضیح داده نمی شود
فقط کلمه بیان می شود – نه حقیقت آن
آن چیزی که بدون نام است – رمز زمین و آسمان است
آن چیزی که نام دارد – برای افراد خاص است
– کلمه و موارد دیگرهمگام با هم، ذات و نامگذاری
سرشت بذر حقیقت می باشند

احساسات فقط درک را دشوار می کند
آنهایی که عاری از اشتیاق هستند، ذات را درک خواهند کرد
که در پدیده تصادفی اشکال پنهان شده است
از کلمه به ذات – راهی به معجزه است

2
خیر و شر مسئله تبیین است
با انتخاب نام، ما این معیار را تعیین می کنیم
زیبایی تنها آنجاست که زشتی برای مقایسه وجود دارد
و مرگ فقط به عنوان غیر زندگی است که ما می شناسیم
طولانی یا کوتاه – ما در نسبت می بینیم
پس از درک کم – درک بالایی را ایجاد می کنیم
برای هر صدا به صدا احتیاج است تا موسیقی ایجاد شود
آغاز – پایان آغاز گذشته است

بنابراین، یک مرد دانا در بی کنشی عمل می کند
با آموزش در سکوت، دنبال آموزه های بدون کلمه است
او ایجاد می کند، اما به دنبال تصاحب نیست
و بدون مشارکت، جنبش را دوباره ایجاد می کند
بنابراین بدون تلاش تغییرات را ایجاد می کند
و بدون افتخار به موفقیت در کمال بودن
او احترام و عشق را از دست نمی دهد

3
– هر وقت دانش بخش نیابت باشد

چه کسی به دلیل صحت خود بحث کند؟
– هر وقت که ارزش برای به دست آوردن دارایی وسوسه نکند
چه کسی دزد چیزهای گران قیمت می شود؟
– زمانی که مقصود تمایل در معرض دید مگردد
چی چیزی قلب مردم را هیجان زده می کند؟

بنابراین، مرد دانا با عزم اراده
سعی می کند به مردم لباس و غذا بدهد
اما هم دانش و هم آرزوها را در آنها نابود کند
اراده را کم کند، احساسات را خفه کند
و کسانی که می دانند، مزاحم مردم نشوند
فقط عدم فعالیت به سمت آرامش می رود

4
تعریف برای دائو آسان نیست
آنچه بدن ندارد – منبع همه چیز است
آن خالی است – اما در نمایش ها بی نهایت است
خودش شکل ندارد و پایه تمام اشکل است
غیر محدود – دلیل تهمه پدیده هاست!

هیچ چیز واقعی برای مقایسه مناسب نیست
هر چیزی که وجود دارد، مانند یک ذره گرد در کنار آن است
درخشش دائو، بصیرت ، هیجان
فقط با بی نظمی کامل قابل مقایسه است
و آن - پیشرو آغاز تمام آغازهاست
نمی دانم چه چیزی یا چه کسی آن را ایجاد کرده است

5
زمین و آسمان بی تفاوت به رنج نگاه می کنند
طبیعت تمایل به بشریت ندارد
و در همدردی با بدبختی ها
سعی نمی کند حرکت بی پایان موارد را تغییر دهد
پس مرد دانا هم با پیروی از قوانین طبیعت
در بشریت هیچ کمکی برای مردم نمی بیند
و به زندگی طبیعی آن ارزش می دهد

مواردی وجود دارد که کاربرد آن بستگی به تهی بودن دارد
مانند یک فلوت یا دم آهنگری
هرچه پوچی بیشتر باشد، آزادی حرکت در آن بیشتر است
هرچه حرکت در آن بیشتر باشد، مزایای بیشتر در آن است
همینطور فضای بین آسمان و زمین
مانند فلوت یا دم که زیبایی در پوچی دارد

نباید به دنبال ریشه یابی این پدیده ها زمان را خرج کرد
تنها حدود را نگه دار، این همان دانایست

6
با دنبال کردن منشاء آسمان و مبدا زمین
ما دروازه ها را در هسته پدیده هت خواهیم یافت

آنها عمیق ترین ریشه های پیدایش اولیه را دارند
پس از آن پوچی است
"دروازه از "ممکن" تا "بودن
عمل ابدی و بی پایان خلقت
از پوچی – پیاده سازی متنوع و بی پایان است
که مانند نخ طول می کشد و هرگز قطع نمی شود

7
فقط به این دلیل که به خودشان اهمیت نمی دهند
زمین و آسمان مدت طولانی دارند
و یک مرد دانا نیز همینطور رفتار می کند
کسی که به زندگی خود ارزش می دهد، زندگی طولانی تر خواهد داشت
کسی که می خواهد آخرین باشد، در جلو خواهد بود
و کسی که نمی ترسد خوشبختی را از دست بدهد، آن را پیدا خواهد کرد
کسی که به خود اهمیت نمی دهد، خوشبختی همراه او خواهد بود

8
:آب بالاترین نمونه کرامت را به ما می دهد
آب مزیت به همه دهد و خودش به دنبال آرامش است
با کسی برای موقعیت و افتخار نمی جنگد
از پایین ترین موقعیتی که مورد تحقیر جمعیت قرار گرفته رضایت دارد
راهی که آن پیش می رود، مانند دائو می باشد

همینطور مرد دانا – پیروی قلب با عزت است
او با همه مهربان است و در یک خانه ساده زندگی می کند
در سخنرانی ها راستگو است و با آرامش مردم را هدایت می کند
به موقع تصمیم می گیرد، کار را مطابق با انرژی خود انجام می دهد
خوش محضر مانند آب، به دنبال آرامش است
بنابراین، اشتباهات و بدبختی ها او را دور می زنند

9
تو باید بدانی که در چه زمانی توقف کنی
کوزه را نباید تا بالای لبه آن پر کرد
ثروت بیش از حد قابل محافظت نیست
شمشیر بیش از حد تیز به احتمال زیاد کند می شود
–از مهربانی یا رتبه بیش از حد افتخار
مشکل در خانه خود می آوری

به محض اتمام کار خود قادر به رفتن باش
این قانون طبیعی راه است

10
اگر به وحدت با خود برسی
با بدن و روح خود
می توانی وحدت را از دست ندهی
اگر نفس خود را تنظیم کنی
می توانی مانند خود بچه شوی
اگر با پاک کردن فکر خود
می توانی از اشتباهات خودداری کنی

اگر مردم را به طور ساده دوست داشته باشی
قدرت بر کشور داشته باشی
می توانی بدون ترفندها مدیریت کنی
اگر تو بتوانی مانند مادر ابدی
زندگی و مرگ بدون احساسات تند و شدید بدهی
می توانی آرامش را از دست ندهی
– اگر بتوانی کل جهان را درک کنی

یاد بگیر و مراقبت کن
بدون داشتن ایجاد کن
عمل کن بدون آنکه منتظر پاداش باشی
– اداره کن بدون آنکه افتخار را بشناسی

با این حال تو خوشنیتی را خواهی شناخت

11
بدون سوراخ برای محور، با چرخ چه کار کنیم؟
خود کوزه از گل است، اما پوچی در آن مفید است
و هر چه حجم خانه بیشتر است، آن راحت تر است

بنابراین پوچی بارها باعث ایجاد سودمندی می شود
و پر کردن باعث ایجاد درآمد است

12
گلها به مقدار فراوان بینایی را تضعیف می کند
زیادی صداها حیرت زده می کند
تنوع زیاد سلیقه ها احساسات را کم می کند
و سرگرمی ها قلب را بی فایده تحریک می کنند
آرزوهای بیش از حد مداخله در زندگی صلح آمیز هستند
گنجینه ها باعث جرم می شود

اما مرد دانا بی فایده اغوا می کند
او ترجیح می دهد در مورد قوت فکر کند

13
هولا و نیایش به همان اندازه ما را آزار می دهند
:هر چه بیشتر ارزش خود را می دانی، این ترس قوی تر است
با قدردانی از خود، در شکوه می ترسی که ممکن است ناپدید شود
در آزار و شکنجه تو از مردم می ترسی

وقتی به خودتان کم ارزش می دهید
به نظرات شخص دیگری توجه نمی کنی

بنابراین، با بالا بردن عقیده خود بالای جهان
تو فقط به آن بیشتر وابسته می شوی
در حالی که زندگی را برای خدمت به مردم اختصاص می دهی
با دوست داشتن و پذیرفتن همه جهان
اعتماد مردم را به دست خواهی آورد

چون جهان؛ به خودش اعتماد دارد
کسی که خود را از آن متمایز نمی کند

14
:حدود احساسات در شناخت دائو محدودیت هایی را ایجاد می کند
نمی توان آن را شنید – زیرا فراتر از صدا است
نمی توان به آن نگاه کرد – زیرا فراتر از دید است
نمی توان لمس کرد – زیرا فراتر از احساسات است؛
تنها چیزی است که قابل تعیین نیست
که علم آن را می تواند بدهد

بالا بردن آن درخشش را ایجاد نمی کند
پایین آمدن آن تاریکی را ایجاد نمی کند
و چیزی که بی نام است، به طور مداوم وجود دارد
و همیشه به نابودی بر می گردد
بدون فرم و شکل، تصویر، اما بدون محتوا
نامشخص، مانند مه – نام های بی دفاع

کسی که جلو آن ایستاده است – صورت را نمی بیند
کسی که دنبال می کند – دور نمی زند
قانون آن همه زمان را به هم می پیوندد
هر کسی که آن را دنبال می کند، زمان حاضر را در اختیار دارد
و منابع اولیه جهان را می شناسد

به این قانون نخ ابدی دائو گفته می شود

15
دائوشی های دوران باستان تا این حد در ذات پدیده ها نفوذ کردند
که درک آن برای افراد ناآگاه دشوار است
بنابراین، می توانم فقط توصیف کنم
رفتار آنها
که در آن چشم انداز جهان بینی اش آشکار می گردد

آنها با دقت در زندگی همراه بودند
مثل بر روی یخ از طریق جریان
و همینطور بسیار محتاط بودند
گویی دشمن قصد آمدن داشت
صمیمی مانند درخت ساده
در مهمانی آراسته بودند
قابل انعطاف مانند یخ های بهاری
پاسخگو مانند دره ای که در انتظار میهمان است
غیر قابل نفوذ مانند جریان گلی که از کوه می آید

آنها خودشان غیر قابل درک هستند
همه چیز غیر معلوم قادر به روشن شدن بود
و خودشان در بی کاری بودند
دیگران را به فعالیت موفق تشویق می کنند
آنها دائو را محکم نگه داشتند
و از آرزوها خودداری کردند
با رضایت از چیزهای بسیار کوچک

آنها با افتادگی کنار هم قرار گرفتند
اما تجدد گرا نبودندل

16
با حفظ ذهن در آرامش کامل
من به پوچی محدود می رسم
و بنابراین در سکوت مشاهده می کنم
که تاریکی چیزها، با شکوفه زدن در لحظه های زندگی
دوباره به تدریج به آغاز خود بر می گردند
– به آرامش و پوچی
سرنوشت همه شامل برگشت دائم است

چرخه ابدی فعالیت
قانون ماندگاری نامیده می شود
شناخت آن به معنای روشنگری است
فروگذاری از آن – به سمت شر می رود
کسی که ثبات را می پذیرد، آگاه است
بیان طبیعت در آن قابل عدالت است
– قانون الهی که بر جهان ما حاکم است
تنها چیزی است که قابل از بین بردن نیست:
بدون بدنی که به مرگ و سوزاندن محکوم می شود
دائو وجود خود را همیشه گسترش می یابد

17
کسی که به مردمش اعتقادی ندارد
شایسته ایمان نیست
او بدتر از همه مدیریت می کند
و همه او را تحقیر می کنند

موفقیت بزرگ در انتظار کسی است
که باعث ترس در همه می شود

بهتر است پیشرفت زیاد
با عشق و احترام توام گردد

بهترین رهبر کسی است
که در مورد او تقریبا نمی دانند
– که با سخنرانی ها ظاهر نمی شود
اگر او به هدف برسد
مردم دوستانه باور دارند
انگار همه چیز خود به خود می رود

18
وقتی مردم دائو را در درون خود گم می کنند
جامعه از خارج حقوق را به آنها تحمیل می کند
وقتی شخص نتوانست صادقانه زندگی کند
او با وظیفه مدنی و خانوادگی روبرو است

و در کنار اصولی که عقل را ایجاد می کند

نایکرنگی و فروگذاری می آید

در خانواده ای که همه با یکدیگر دعوا می کنند
در گفتگو هایشان در مورد بدهی بیشتر یاد می کنند
و بیشتر به وفاداری و یکپارچگی نیاز دارند
در کشوری که عزاداری می کند

19
هر وقت تحقیق و دانش وجود نداشته باشد
مردم صد برابر خوشحال تر خواهند شد
اگر استادی که کارهای با ارزش انجام می دهند، نبود
و تاجرانی که سودای سود در سر ندارند، وجود نداشتند
پایه ای برای اجرای جرم هم نبود
اگر عدالت، اخلاق و سایر محدودیت هایی
که تلاش به ادغام کشورها دارند، نبودند
مردم به هماهنگی در روابط خانوادگی بازمی گشتند

تمام آنچه که در مورد این نمونه ها صحبت می شود را
می توانم در یک مفهوم بیان کنم:

– برای مرد دانا
سادگی در زندگی مناسب تر است
طبیعی بودن
تکه های درخت یا بوم خالی
مرد دانا باید خودخواهی خود را برای همیشه دور کند
و آروزها و تمایل ها را کنار بگذارد

20
و اکنون، و در همه زمان ها
مرد دانا غم و اندوه را از ذهن یاد می گیرد
آیا قدم از ستایش و تحقیر بزرگ است؟
و آیا بین خوبی و بدی تفاوت بزرگ وجود دارد؟
کسی که باعث ترس و سوزش می شود، باید بترسد

تنها در وسط مراسم بی قرار سرگردانم
با حواس پرت خاطره ها را جمع می کنم
به عنوان یک نوزاد، من با تعجب به جهان نگاه می کنم
و به دنبال برقراری ارتباط با مردم نیستم
کجا خانه ای هست که در آن بتوانم آرامش پیدا کنم؟
چقدر ناامیدانه آن را پیدا نمی کنم!
بی حس شنا می کنم، مانند تراشه چوبی در جریان آب ...

داشتن ثروت – یک خواست مشترک است
فقط من در کنار مانده ام
احمق! من دستاوردهای آشکاری ندارم
و من را به عنوان یک احمق می بینند
دیگران درباره همه چیز نظر دارند
– با اعتماد به نفس، بدون شک هستند
و فقط من در تاریکی کامل سرگردانم

!آدم نادان؛ احمق از بدو تولد
مفهوم ها برای همه واضح هستند– برای من واضح نیستند
در زندگی روزمره مانند در خواب برگردانم

همه افراد با توانایی های روشن می درخشند
در جهت اهداف تلاش می کنند و به دنبال موفقیت در کارها هستند
تنها من مانند موج بی ترتیب هستم
و بی فایده مانند آن هستم
با بادی که از دریا می آید، شبح زده ام
امور عادی انسانی را تقسیم نمی کنم
من به پستان مادر طبیعت می افتم

21
مرزهای ده را دائو تعیین می کند
و ذات ده از دائو می آید
خود دائو راز شگفت انگیز است

:نامشخص و غیر قابل توصیف همانطور که گفته شد
در اعماق مه آلود آن تصاویر اشیاء پنهان می شوند
در نامعلومی آن محتویات ذخیره می شوند
در تاریکی غیر قابل تصور آن – چنین هایی وجود دارند
واقعیت بالقوه
تمام طبیعت در آن نور می دهد

از دوران باستان تا به امروز
تلاش ها متوقف نمی شوند
– نام مشخص به او دهید
که مانند یک ابزار دانش لازم است
برای آغاز تمام چیزها

22
جوانه بهبودی معیوب را حفظ می کند
چیز کج مجبور به تبدیل شدن به صاف است
چیز خالی شده فقط باید پر شود
چیزتخریب شده امکان تجدید را دارد
آنچه کمبود دارد، شانس برای کسب دارد
آنچه بیش از حد هست – به احتمال زیاد از دست داده می شود

مخالفت ها یکی هستند
این دیدگاه را
مرد دانا به عنوان الگوی رفتار می پذیرد
او خودش را در معرض نمایش نمی گذارد – اما قابل مشاهده است
موارد خودش را تایید نمی کند – پس درست عمل می کند
خودستائی نمی کند – اما راه او برای دیگران خواستنی است
و با پذیرفتن قدرت از آن مغرور نیست
با کسی رقابت نمی کند – و بنابراین
هیچ رقیبی شایسته برای او وجود ندارد

:بنابراین، آیا گفته باستانی صحیح است

"جوانه کامل نقض را حفظ می کند؟"
حرکت را
به عنوان برگشت به کمال

23
طوفان صبح طولانی نخواهد ماند
– و باران شدید به احتمال زیاد متوقف می شود
طبیعت گفتار خود را طول نمی دهد
علاوه بر این
کسی که سعی نمی کند با او مقایسه شود
توصیف گردد و کلمات محافظت شود
و صحبت در مورد موارد مهم کافی نیست

کسی که زندگی را برای خدمت به دائو می داند
– در مسیر راه با اطمینان ایستاده است
و راه به آن رو کند
و کسی که زندگی را به عنوان خدمتکار نیکی می داند
– خودش بیانگر نیکی خواهد شد
در پاسخ، او با شادی از زندگی روبرو خواهد شد
و کسی که در زندگی فقط مسیر گم شدن را می بیند
– خودش در زیان های خود مقصر است
و برای همیشه به ضرر محکوم خواهد شد

در طی قرن ها دیگران قرار است همین حرف را بزنند:
مطابق با ایمان به همه داده خواهد شد

24
با بلند شده روی انگشتان پا – ناپایدار ایستاده ای
راه رفتن با قدم های وسیع باعث فرار نمی شود
نشان دادن خود به همه باعث شناسایی نمی شود
و با ستایش کردن از خود باعث گرفتن شکوه نمی شود
با حمله – تو به موفقیت نخواهی رسید
با داشتن نظر – رهبر نخواهی شد
همه موجودات زنده از شلوغی غیرضروری جلوگیری می کنند
اگر می خواهی مطابق با دائو زندگی کنی – تو هم جلوگیری کن

25
از بی نظمی کامل
– زمین و آسمان پیشتر به دنیا آمدند
آرام و بیگانه!
ماندن با خودکفایی و همیشگی
و برای همیشه در حال تبدیل است، گرچه در حال از دست دادن نیست
– با نفوذ کردن نامحدود به تمام مراحل
آن سایر موارد را به دنیا می آورد

من نام آن را نمی دانم
و تنها با علامت ”دائو“ مشخص می کنم
– و اگر مجبور شدم نام آن را بگذارم
فقط می توانم آن را بزرگ بدانم

این نام چه معنی دارد؟
آنقدر بزرگ است که آگاهی از آن می رود:
به نظر می رسد کمی بگیری – ماهیت دور می شود
و مرا به سوء تفاهم باز می گرداند

بنابراین آیا ناچیزترین موضوع دانش می تواند
آن چیزی بفهمد که بسیار عالی به نظر می رسد؟

بله، دائو بی نهایت
و قدرت نامحدود قوانینی که از دائو سرچشمه می گیرند
– و دنیای وسیع چیزهایی که این قوانین بر آن حاکم هستند
و در عین حال اشتیاق به دانش زیاد است
و ذهن قادر به شناختن دنیای اختصاصی است
در میان نیروهای بزرگ، آخرین جایی نیست که او به دست می آورد:
در دانستن موارد، قوانین آسمان را درک می کند
و با آن می تواند دائو را درک کند

ذهن جرات می کند از قرن به قرن دیگر تکرار کند:
"من خدا هستم، من پادشاه هستم، من آدم هستم!"

26
ریشه سنگین یک گیاه سبک را نگه می دارد
آرامش آن – صاحب شاخه های هیجان
و حرکت ایمن آنها با باد است

وقتی مرد دانا در جاده معجزه پیدا می کند
او از چمدان خود دور نمی شود
و مهم نیست که چقدر نمای زیابایی او اغوا کننده باشد
با پرتاب بار، او خلو نخواهد رفت

27
بهترین مسافر کسی است که اثری از خود به جا نمی گذارد
بهترین سخنران کسی است که سخنان خود را توضیح نمی دهد
اگر برنامه ای وجود نداشته باشد، آن کامل است
وقتی مرد دانا یکی را به یک دیگر وصل می کند
او بندها را با طناب می بندد
اما در هزار سال آنها را باز نخواهی کرد
و اگر مرد دانا درب را می بندد
از قفل و پیچ استفاده نمی کند
اما امیدی به باز کردن درب نیست

بنابراین، مرد دانا با درب باز زندگی می کند
و او همه را با اطمینان ملاقات می کند
هر کسی که درب بزند – در اینجا با امتناع روبرو نخواهد شد:
شخص با مشکل یا بی ایمان
– هر موجودی ها یا حیوانات
هیچ کس بدون کمک از اینجا نمی رود

بنابراین، با آمادگی به افراد علاقه مند درس می دهد

– و او خودش از روند یادگیری شادی دریافت می کند
اما مرد دانا ارتباط با شاگرد را ثابت نخواهد کرد
– او اثر هرگونه محبت را دور می کند
و برای پیشرفت دانش بیشتر شاگرد
نباید به استاد زیاد افتخار بدهد

– چون دانش بدون شک
یک منبع قدرتمند تصورات است
فقط این یک حقیقت مطلق است که پذیرفته می شود!

28
با درک ماهیت مردانه خود
نباید در مورد خصوصیت زن در خود فراموش کرد:
بین دو قله باید دره ای باشی
و با قرار گرفتن در سایه هر دو قله
مانند یک کودک نوزاد
می توانی کل دنیا را درک کنی

با آگاه شدن از نور
وجود تاریکی را فراموش نکن
هر "بله" دارای "خیر" می باشد
هرگونه تایید انکار را پنهان می کند
– هر چوب دستی "انتهایی متفاوت" دارد
تو خودت نمونه چنین مخالفت هایی هستی
و اگر از وجود آن دائما آگاه باشی
– تو می توانی از تصوارت غلط زیاد جلوگیری کنی
پس از آن هیچ محدودیتی و مرزی برای آگاهی تو وجو نخواهد داشت

با درک شکوه، امکان توهین را فراموش نکن
یک عبور بین غرور و فروتنی باش:
هر دو قله هایی هستند که روی آنها ایستادن غیرممکن است
با ماندن بین آنها، رفتار خود را پرارزش حفظ خواهی کرد
می توانی مانند چوب خام طبیعی شوی

مانند یک تکه چوب
تقسیم شده و پردازش شده
می تواند قابل استفاده باشد
برنابراین، مرد دانا می تواند
از تشخیص مخالفت ها
در عملیات و تفکرات استفاده کند
اما تنها چیزی که واقعی است که قابل تحلیل و جدایی نیست

29
جهان ما زیباست، مانند یک کاسه مرموز
یک انبار سرنوشت و زندگی ماست
و در معرض انتقاد قرار نمی گیرد
کسی که انتظار دارد دنیا را در اختیار داشته باشد
و به خواسته خود آن را مدیریت کند
همیشه محکوم به شکست است

جهان در حال تغییر دائم است
و برنابراین قابل مدیریت نیست
کسی که رهبری می کند، در یک روز شروع به اطاعت کردن خواهد کرد
کسی که آزادانه نفس می کشد – خفه می شود
در یک زمان شخص قوی می تواند ضعیف شود
– آنچا امروز ساخته می شود، فردا از بین می رود
بنابراین، مهاجم محکوم به از دست دادن جایزه است

و همینطور مرد دانا این را درک می کند
اعتماد به نفس اضافه ندارد
از اشتیاق و علاقه شدید به طور منطقی جلوگیری می کند

30
وقتی مرد دانا به استاد پیشنهاد می دهد
چگونه دائو در روند مدیریت پیگیری کند
– او استفاده از نیروی نظامی را تایید نمی کند
خشونت همیشه پس می زند
آنجایی که سربازها عبور می کنند، تنها علف های هرز رشد می کند
و همراه عملیات نظامی
در طول سال ها بدبختی و سختی ها فرا می رسند

بنابراین، مرد دانا همیشه خشونت را
داوطلبانه انتخاب می کند
و فقط آن روزی برنده می شود
که حریف به این امر مجبورش می کند
با دستیابی به آنچه لازم است، فراتر نمی رود
با دریافت پیروزی، به خودرضامندی نمی رسد
از جایزه و افتخار جلوگیری می کند
و قدرت بیشتر از موفقیت کسب نخواهد کرد

چون کسی که در چنین پیروزی شکوفه می زند
– و قدرت زیادی به دست می آورد
زود پیر می شود و می میرد
عدم رعایت دائو باعث این پایان غم انگیز می شود

31
سلاح جنگ – نشانه شرور است
– سلاح باعث نفرت و ترس می شود
که دست راست را تداعی می کند
کسی که به دائو رسیده باشد از داشتن اسلحه در دست خود متنفر است

حکومت کردن با دست چپ آرام کننده
در روزهای صلح مرد دانا به حاکم مشورت می دهد
اما با دست راست
در زمان بدختی حاکم روی می آورد
– در زمان صلح سمت چپ ترجیح داده می شود
سمت راست در زمان آزمایشات ترجیح داده می شود
برنابراین، سمت چپ روزهای خوب را یادآوری می کند
و سمت راست نمادی از پیش بینی های تاریک است

سلاح جنگ – نشانه ای شوم است
و حاکم دانا آن را برای پیروزی بالا می برد
فقط در صورتي كه انتخاب دیگری وجود ندارد
با این حال، او آرامش را حفظ می کند
و از پیروزی ها شادی نمی گیرد
چگونه علت بسیاری از مرگ ها مسرت بخش می تواند باشد؟
کسی که خوشحال می شود – درک مردم را همراه نخواهد داشت

وقتی حاکم پیروز شده رژه را قبول می کند
در جناح راست افسران ارشد ایستاده اند
و در جناح چپ افسران با رده های پایین تر ایستاده اند
این به دلیل توزیع مراتب افتخاری شر می باشد
به درستی شبیه یک مراسم عزاداری است:
– چون تعداد زیاد قربانیان جنگ فقط باعث اندوه و تلخی می شوند
مانند برندگانی که در مراسم تشییع جنازه ایستاده اند

32
به طور طبیعی و کامل دائو مانند چوب
بی نام و در کل غیر قابل تقسیم به قطعات
و این به دلیل آن است
که حتی در کوچکترین ظهور
در ارتباط با کلیات نیست
– در هرگونه تسلیم یا دلبستگی
خودش با خودش برابر است

وقتی به جای حاکمان و سایر مقامات ها
اصل مشابه می توانست در جامعه مورد استفاده قرار گیرد
نیاز به اجبار به وجود نمی آمد:
همه افراد منافع مشترک را به طور خاص به خود در اختصاص می دهند
مردم در دولت خود خوشبختی پیدا می کردند
به جای برنج – شبنم عسلی به راحتی از مزارع جمع می شد
زمین و آسمان در یک اتصال عجیب و غریب به هم می پیوستند...
– افسوس، این رویا زیباست
اما بی نفع است
و نظم دیگری در بین مردم برقرار می شود

در پایه این ترتیب – جدایی است
و تفاوت خصوصیات مختلف
و نشانگر این روند اسامی است
هر چیزی که اسم داشته باشد، تعریف دارد
– با دیگران نستبی دارد
مانند شمش ها بین درخت ها
صاف شده به منظور تزئین
بین موجودات اکنون تفاوت قابل مشاهده است

نامگذاری، مانند تبعیض
در استفاده روزمره مناسب است
و این امر در کاربرد مهم است

اما خطر از دست دادن وحدت جهان احساسات وجود دارد
بنابراین، دانستن حد برای کلمات جدید مفید است:
هر چیزی که در کلمات متفاوت است – در اصل یکی است

رودخانه های جداگانه در امتداد دره ها جریان دارند
اما اگر آنها را تا سمت دریا مشاهده کنی
متوجه می شوی که اساسا تقسیم جریان ها وجود ندارد
و یک آب واحد وجود دارد.
همینطور دائو در تعداد بیشماری از مظاهر
یکی برای همیشه می ماند

33
– اگر تو تارهای مخفی را در روح غریبه ها تشخیص می دهی
تو باهوش هستی
– اگر قسمت های تاریک را در قلب خود می فهمی
تو با روح روشن شده ای

– اگر تو طعم پیروزی را بر موارد دیگری امتحان کردی
تو یک قهرمان توانا هستی
اما اگر می توانی بر خود برنده شوی،
دو برابر قدرت داری

– اگر تو از خود و کردار خود راضی هستی
تو ثروتمند هستی
اما با داشتن دلخواست به روح
تو در دستیابی به موفقیت های جدید مقاوم خواهی بود

اگر تو اهداف خود را در مسیر طولانیاز دست ندهی
عمر تو هم طولانی خواهد ماند
– اگر تو می میری اما در حافظه ناپدید نشوی
نه بدن تو بلکه روح تو در طول قرن ها حفظ می شود

34
– رودخانه ای که از آب چشمه آمد، مانند دائو
نه مرز، نه جهت به سمت چپ یا راست دارد
در آنجا بسیاری از موجودات بدون آنکه از وجود آن آگاه باشند
از آن متولد شده و دوباره به آن باز می گردند
آن همه چیز را ایجاد می کند و انتظار چیزی نیست
دنیا را با قدرت زندگی و آفرینش تامین می کند
و دوم اینکه کسی را به تسلیم مجبور کند

35
با دنبال کردن دائو و با جلوگیری کردن از حوادث بد،پس
همه چیز همیشه به سمت آرامش پیش می رود
فقط آنجایی که غذا و شادی منتظر مسافر هستند
او بدون اراده متوقف خواهد شد

حتی اگر دائو به عنوان غذا در نظر گرفته نمی شود
با طعم، شکل و شنوایی قابل تشخیص نیست

اما کسی که یاد می گیرد شادی را در آن پیدا کند
صادقانه آن را به انتها نمی رساند

36
برای فشرده سازی – ابتدا باید گسترش داد
برای تضعیف چیزی، به آن قدرت بده تا زیاد شود
آن چیزی که می خواهی زیاد شود بگذار شکوفه بزند
– و سخاوتمندانه عطاء کن تا از بین ببری
این حکمت است که توسط آن
ضعف می تواند هر قدرتی را فتح کند
چنانچه ماهی نباید عمق تاریک را ترک کند
پس دولت نباید روش های خود را برای مردم توضیح دهد

37
دائو همیشه در حال غیر فعالیت است
اما امور انجام نشده را جا نمی گذارد
کی حاکمان می توانستند همین کار را انجام دهند
همانطور که باید باشد، جهان خودش شکوفا می شد

اما اگر کسی از تغییر طبیعی ناراضی بود
و آرزوهای اضافی را به دست می گرفت
این خواسته ها را باید سرکوب می کرد
و به سادگی طبیعی آن جذب می کرد

واقعیت بی نام طبیعت میل ندارد
و به آرامش بی احساسات می رسد
در صورت عدم وجود میل شخصی – راهی به آرامش وجود دارد
سپس نظم زیر ماه خودش مستقر می شد

38
هر چه کمتر به دنبال تجلی خود هستند
بیشتر احساسات به طور صمیمانه خوب هستند
هر چه کمتر شلوغی و اهداف عمدی هستند
اخلاق بالاتر است
بر اساس این نظرات
می توانیم فضایل اخلاقی را مقایسه کنیم

کسی که در نهایت اعتماد به ده است عمداتا هیچ کاری را انجام نمی دهد
بدون داشتن اهداف، در حال غیر فعال بودن است
و با این حال همه چیز لازم در حال انجام نشده باقی نمی ماند

– به احضار قلب بشریت بالا عمل می کند
و منتظر به قدردانی انسان نیست
امور عدالت پر از مقاصدی است
که منجر به تقدیر قانونی می شود

شایستگی بالا همه فعالیت ها را به درون چارچوب آئین ها می راند
و کسی که به طور داوطلبانه مراسم را رعایت نمی کند اجبار می کند

بنابراین، ما می بینیم که با از دست دادن دائو، ده می ماند

با از دست دادن ده، امید به بشریت می ماند
با از دست دادن رحمت، قانون گذاری هم در همه جا رعایت می شود
با از دست دادن قانون، تنها تشریفات باقی می ماند

و مراسم – پوسته خالی از ایمان است:
ایده در گل ها باز زاده می شود
جهل و حرف پوچ در آن سرچشمه می گیرد
و پیش بینی ناراحتی نزدیک است

بنابراین، مرد دانا نه پوسته بلکه محتوا انتخاب می کند
و نه گل ها بلکه میوه را ترجیح می دهد

هر چیزی که قرن ها وجود داشته باشد، در جهت یکپارچگی تلاش می کند:
آسمان تلاش می کند تا خالص و شفاف شود
زمین به ثبات و استحکام خود افتخار می کند
آب در بسترهای پر رودخانه جاری می شود
و همه نسل های زنده خسته نمی شوند که نسل جدید به وجود می آید

حاکم همچنین تمامیت دولت را حفظ می کند
و نمونه ای از خصوصیات بالای شخصی به خدمتکاران نشان می دهد

از دست دادن تمامیت همیشه به خطر می افتد:
بنابراین، رعد و برق آسمان را در معرض خرد قرار می دهد
و ممکن است زمین توسط یک زلزله شکسته شود
کانال خالی پس از خشک شدن در بیابان ناپدید می شود
و هرگونه موجود زنده از بین می رود
اگر زندگی به نسل های اینده ندهد

اگر حاکم اخلاق عالی به مردم نشان ندهد
حکومت او در خطر سرنگونی است
چون پایین بودن همیشه نشان دهنده بالا بودن است
مردم با حمایت خود هرگونه قدرت را تقویت می کنند
و باید پایه ای برای احترام داشته باشند

هنگامی که حاکم خود را "ناچیز" و "بدبخت" می نامد
شاید او به همین ترتیب در نظر دارد که
از خدمتکاران حمایت و همدردی پیدا کند
با این حال، این مسیر نادرستی است که به کمک آن
او به احتمال زیاد به خطر از دست دادن شکوهمندی در چشم مردم خود می رسد
فکر کن – اگر ارابه را از بین ببری
مجموع قطعات غیر قابل استفاده است:
در کل هرگونه وسیله مفید است
و دارای نسبت مناسب قطعات است
بنابراین، اگرچه نباید بیش از حد ارزش خود را بدانی
و شخصیت خود را به عنوان یاس گرانبها بدانی
با این وجود، نباید خود را به عنوان سنگفرش در نظر بگیری

دائو یک حرکت از سمت انکار است
در ضعف – موتور درسیکل چرخش است
از موجودیت – نسل تمام موارد است
– و خود ظاهر موجودیت
از وجود انکار است

41
با شنیدن در مورد دائو، مرد دانا با اصرار سعی می کند آن را تجسم کند
یک فرد معمولی اول پر از اشتیاق است، سپس ترک می کند
– یک فرد احمق از دائو می خندد
اما، به هر حال، بدون شک دائو بدون تمسخر وجود نداشت

جای تعجب نیست که یک مرد روشنفکر شبیه یک مرد عجیب و غریب است
هر کسی که مسیر روشن را می بیند – به نظر می رسد انگار راه خود را گم کرده است
هر کسی که به ارتفاعات معنوی رسیده است – انگار فرو آمده است
و مردی با خلوص بالا – در نگاه مردم محروم است
چنین نمونه هایی زیاد وجود دارند:
– زیادی به طور غیر ارادی باعث وجود احساسات کمبود در مردم می شود
چند وقت فضایل اخلاقی فریب را به عنوان چیزی بالا می دانند!
در حال تغییرات جهانی، یافتن حقیقت قابل اعتماد دشوار است

موارد بزرگ فراتر از حد معمول آگاهی است:
گوشه های مربع بزرگ را نمی توان نشان داد
باید هدیه بزرگ را برای مدت طولانی منتظر کنی
و صدای خیلی قوی قابل شنیدن نیست
نماد عالی دائو تعریف واضحی ندارد
– او بی نام و از دید پنهان است
و با این حال دائو و آغاز در جهان همه چیز را ایجاد می کند
و تمام روندها را در آن به پایان می رساند

42
دائو یکی است – اساس وحدت جهان در آن است
با بررسی دقیق تر در وحدت هر چیزی
دو آرزوی متقابل و منحصر به فرد پیدا می کنیم
دو ویژگی قطبی دائما از یکدیگر عبور می کنند
سپس یک نیروی سوم وجود دارد
که این تحول را ایجاد می کند
این موارد سه گانه تنفس دنیای موجود
و ایجاد همه چیز را تعیین می کند
– هر موجودیت یین یانگ در خود دارد
توسط قدرت زندگی تسی هماهنگی ترکیب آنها را ایجاد می کند

همه افرادی که دچار ناراحتی و نیاز هستند
سعی می کنند حداقل در چشم دیگران خوشحال به نظر برسند
دوست ندارند بازنده نامیده شوند
اما کسانی که قدرت و خوشبختی و ثروت دارند
خود را "فقیر" و "خام" عمدا می نامند

چیزی که کوچک شده است، می خواهد بلند شود

چیزی که بلند شده، به دنبال خود فروداری است
کسی که با خشونت به یک مقام بالا رسیده است
از خشونت علیه خود می ترسد
– دروس سخت زندگی چیزهای زیادی را آموزش می دهند
و همین جهان در پاسخ از من دریافت خواهد کرد
نمک آموزش من بازتاب دارد

43
هرچیز سازگار – بر سختی غلبه می کند
– و چیزی که فاقد ماده است
در عدم وجود فضا نفوذ می کند
مرد دانایی که این را می فهمد
از غیاب انجام کار سود می برد
و دانش را از آموزش بدون کلمات می آموزد
اما در جهان، افراد کمی این اصل را برای حقیقت قبول می کنند

44
چه کسی به بدن نزدیکتر است – نام یا زندگی؟
چه چیزی برای تو با ارزش تر است – زندگی یا اموال؟
آیا این درست است که بعضی اوقات کسب
سختر از سختی های از دست دادن چیزی است؟
هر چی شکوه یا خزانه داری بیشتر است
ضرر هم بیشتر است
هر چه زندگی احساسات بیشتر داشته باشد
جبران هم سنگین تر است
فقط کسی که این معیار را رعایت می کند
از شرم و بدبختی با موفقیت دور می شود
و زندگی خود را برای مدت طولانی توسعه می دهد

45
چهره کمال کامل در حد مجاز است
تمامیت غیر قابل توصیف در حد با پوچی به هم می پیوندد
هنر بزرگ بدترکیب و شکننده به نظر می رسد
سخنران نامشخصی که قصد دارد تا حد ممکن دقیق باشد
در پارادوکسها زیبایی حقیقت بزرگ است

مشخص است که حرکت برنده سرماست
و گرمای اضافی با آرامش برطرف شود
وقتی جهان راز گیج کننده و مهیج به ما ارائه می دهد
آرامش و روشن فکری همیشه به درک کردن کمک می کند

46
– اگر قصد دارند دائو را در دولت معرفی کنند
اسبها به طور مسالمت آمیز به مزارع کود می دهند
– اگر دائو را در روح و کشور فراموش می کنند
اسب های تندرو و رزمی در خیابان ها حرکت می کنند

احساسات نامحدود از حوادث طبیعی خطرناک تر هستند
تمایل به داشتن بیشتر از هر ضرر مخرب تر است
و در آرزوها از طوفانی که اندازه را نمی داند، بدتر است

فقط کسی که به دنبال درآمد بیش از حد و نیازهای خود نیست
برای همیشه خوشحال است

47
برای اینکه دنیا را بشناسی – نباید دور بروی
کسی که فراتر می رود – کمتر می داند
بدون نگاه کردن از پنجره، مرد دانا راه آسمان را فرا می گیرد
او نباید ظاهر را ببیند
تا اسم صحیح را پیدا کند
او در حال عدم فعالیت موارد لازم را انجام می دهد

48
کسی که مطالعه می کند – ذخیره دانش را به دست می آورد
کسی که دائو را دنبال می کند، هر روز آگاهی را از دست می دهد
– تا زمانی که نیاز به عمل کردن از بین می رود
مرد دانا به حالت عدم فعالیت می رسد
و کمبود انگیزه واقعی هیچ کار انجام نشده را جا نمی گذارد
فرد غیر فعال – به آرامی جهان بیرونی را می برد
اما تلاش در تحمیل اراده خود به جهان بی فایده است

49
– در وجود مرد دانا ویژگی های تغییر ناپذیر پیدا نمی شوند
او روح خود را در برقراری ارتباط با همه کسانی که با آنها تماس دارد، غنی می کند

او افراد مهربان را همیشه با محبت استقبال می کند
– او همچنین با مهربانی به شر پاسخ می دهد
همینطور مهربانی را در وجود خود پرورش می دهد
او به کسانی که شایسته اعتماد هستند، باور می کند
– اما اوبا افرادی که اعتماد به نفس ندارند، با اعتماد استقبال می کند
همینطور او پاکی روح خود را کامل می کند

او از روح مردم جواهرات و زباله ها را جمع می کند
بدون آنکه خوبی و بدی تقسیم کند
او به عنوان یک کودک جهان را درک می کند
بدون قضاوت و انتخاب
همه چیز در قلب خود به ده تبدیل می دهد

50
در هنگام تولد ما وارد جهان می شویم
و در هنگام مرگ بر می گردیم
از ده نفر، فقط سه نفر در زمان گلدهی هستند
و سه نفر دیگر در انتهای راه هستند
و بقیه با حرکت کردن جنبش زندگی
فقط نزدیک شدن مرگ را تسریع می کنند
و این امر به این دلیل است که بیش از حد می خواهند زندگی کنند

اما مردم می گویند
که درک نهایی زندگی
به فرد آمیخته شده کمک می کند تا
از حمله مسلحانه به شکارگران و جنگویان جلوگیری کند

پنجه های ببر، شاخ کرگدن
جایی برای برنامه در آن وجود ندارد
و حمله کننده جایی برای فرو کردن تیغه ندارد
مرگ هیچ پایه ای برای ورود ندارد

51
دائو خسته نمی شود تا همه چیز را تولید کند
ماهیت ده شامل آن است که
به همه آنها غذا و پرورش بدهد
در مادیات – اساس همه چیزهای شکل گیری است
– در شرایط توسعه
توانایی دستیابی به کمال است

به همین دلیل تمام جهان ما آماده پیروی از دائومی باشد
و ده هرگونه ظهور
– غیر ارادی احترام را الهام می بخشد
نه به دستور یا اجبار
بلکه به دلیل این است که مسیر طبیعی امور وجود دارد
چون همه چیزهایی که دائو تولید می کند
با دنبال کردن ده، آن گرامی دارد، پرورش می دهد و مراقبت می کند
آموزش می دهد، تغذیه می کند، دلداری می دهد
و از دشمنان محافظت می کند

بدون آنکه به دست بیاوری، ایجاد کن
باید ایجاد کنی اما به آن افتخار ندهی
– حکم نکن اما حکومت کن
این اصولی هستند که هر کسی باید رعایت کند
که قصد دارد به ده برسد

52
هر چیز منشاء خود را دارد
که می توانیم آن را به عنوان دلیل در نظر بگیریم
با درک دلایل، ضروری است که تجلیات آنها را در پیامدهای آن پیدا کنیم
– با درک عواقب، نباید دلایل را فراموش کرد
سپس همیشه می توانی از خطرات جلوگیری کنی

به عنوان مثال، همه می دانند که با خنک کردن احساسات
با بستن درها از جهان
هر کسی تمام زندگی را بدون مشکلات زندگی می کند
اما اگر به احساسات و هیجان اراده را تسلیم کنی
مسئولیت بپذیری، مراقبت کنی
سپس هیچ چیزی تو را از مشکلات نجات نخواهد داد

روشنایی فکر کمک می کند تا به جزئیات ناچیز توجه کنی
با داشتن قدرت فکر، می توانی موارد فررار را نگه داری
– با شناختن طبیعت، از نور ذهن استفاده کن
وضوح درک را برای خودت بر می گردانی
وحدت جهان و بخش های تاثیرگذار متقابل آن
و نمی توانی به خودت و مردم آسیب بزنی
این دقیقا همان چیزی است که "ثبات رعایت" نامیده می شود

53
قصد برای دانش به راه بزرگ می رسد
هر کسی که وارد آن شد، راه خود را گم نمی کند
– فقط کسی که از جاده کنار بکشد، می تواند بترسد
مسیر دائو صاف و گسترده است، مستقیم پیش می رود، کنار نمی کشد
اما مردم غالبا مسیرهای باریک را ترجیح می دهند

حاکمان در اماکن مجلل
در غرور خود متوجه نمی شوند
که در کشور آنها، علف های هرز مزارع را می پوشانند
و مردم نان کافی ندارند
کسی که ثروت را جمع می کند و با زیور آلات پوشانده اند
وارد انواع مختلفی از بی تفاوتی شده ا
جای تعجب نیست که آنها باعث بیزاری می شوند:
– آنها را زورگو و دزد می نامند
چنین رفتار تهی از ادب با دائو متناقض است

54
شکستن حصارهایی که قرن ها ساخته می شوند، آسان نیست
– فرار از اتصالاتی که با عادت مستحکم شده اند، سخت است
فرزندان همیشه به اجداد احترام می گذارند و سنت ها را قوی می کنند
به راستی، کسی که سعی در بهبود خود دارد
باید ده واقعی را داشته باشد
مازاد ده کسی دارد که خانواده را بهبود می بخشد
کسی که شهر خود را بهبود می بخشد، باید ده قوی را داشته باشد
ده کسانی ثمربخش است که با آن کشور خود را ایجاد می کند
کسی که می خواهد جهان را تصحیح کند، در جستجوی ده کلی است
اما فقط وقتی امتحان می کنی چیزی را بهبود ببخشی
موضوع مراقبت را کاملا درک می کنی

55
کسی که به ده رسیده باشد، مانند یک نوزاد است
جهان همیشه به کودک برکت می دهد
هم حیوان وحشی و هم پرنده از او به طور غیر ارادی محافظت می کند
اگرچه کوچک و ضعیف است، اما بسیارسرزنده است
کودک نمونه یکپارچگی است
هنوز از رازهای اتحادیه جنس ها خبر ندارد
– در طول کل روز سر و صدا می کند و خستگی ندارد
او در هماهنگی با جهان می ماند

برای مرد دانا هماهنگی شامل رعایت مداوم است
دانستن پایداری به معنای روشنگری است
زندگی پر از نگرانی و ماجراجویی
آرزوی موفقیت و غنی سازی را دارد
و لحظه شادی را به ما می دهد
اما باعث مصرف بیش از حد انرژی حیاتی می شود
هر چه این مسیر خوب باشد، هیچ ارتباطی به دائو ندارد
– گلدهی مجلل باعث پژمردگی سریع می شود
عدم رعایت دائو رویکرد مرگ را تسریع می کند

56
کسی که می داند – به دنبال توضیح نیست
– کسی را توضیح می دهد
خودش نمی فهمد

وقتی می توانی احساسات خود را آرام کنی
و جلوی جهان بیرونی درب را ببندی
و از همه دلبستگی را آزاد شوی
و دقت زیاد احساسات را کم کنی
و به جای فلاش های زندگی، به درخشندگی یکنواخت برسی
– و تفکرات خالی را سرکوب کنی
سپس به وحدت اسرارآمیز با جهان خواهی رسید
مرد دانایی که به آن رسیده باشد، برای هیچ کس دوست و دشمن نیست
به هیچ چیزی نزدیک نیست و چیزی را رد نمی کند
خوبی را نمی دهد و بدی را هم انجام نمی دهد
او نسبت به تحقیر و تجلیل
به از دست دادن و به دست آوردن چیزی بی تفاوت است
و به همین دلیل تمام جهان با احترام با او رفتار می کند

57
کشور توسط رویه های تعیین شده اداره می شود
غیر استاندارد بودن کمک می کند در نبرد پیروزی پیش آید
اما فقط کسی که انگیزه ندارد
می تواند کل جهان را در اختیار داشته باشد

در واقع، برافزایی هرگونه منع
معمولا منجر به افزایش فقر می شود
هر چه سخت تر مقامات از ممنوعیت ها با قدرت محافظت می کنند
تعداد سلاح های بیشتر افزایش می دهد
و ناراحتی در کشور شیوع می یابد
آموزش باعث به وجود آمدن نوآوری های خطرناک است
و هر چه بسیاری از قوانین و مقررات پیچیده تر باشند
جنایت پیشرفته تر شکوفا خواهد شد

به همین دلیل حاکم خردمند معتقد است
که اگر او از حرکات ناگهانی خودداری کند
همه چیز بهینه تغییر خواهد کرد
همه انحرافات تمایل دارند که خود را صاف کنند
وقتی صاحب قدرت آرامش را حفظ می کند
و وقتی دولت مزاحم آنها می شود
مردم فرصت های بیشتری برای غنی سازی خود دارند
اگر حاکم خواسته ها و احساسات خود را سرکوب کند
مردم او شروع می کند به طبیعت سالم خود برگردند

58
تحت دولت نرم، شهروندان مهربان هستند
و مجبور می شوند تندی را از خیانت یاد بگیرند
در بدشانسی، شادی ایجاد می شود
– در خوشبختی، ریشه های بدبختی های آینده قائم می شوند

چرخه بی نهایت آنها به کجا می رود؟
همه چیز درست ناگزیر نابود می شود
همه خوبیها محکوم به تبدیل شدن به نفرین هستند
و ناآگاهی های انسانی جاودانه است

بنابراین، حاکم دانا محکم است، اما بی رحم نیست
او رک و صادق است، اما ضعف های انسان را می فهمد
با رعایت اصول اخلاقی، او از عدم تحمل دور است
او هدفمند است، اما با هر قیمتی به هدف نمی رسد
و نور دانش را کور نمی کند

59
برای اینکه در هماهنگی با قوانین طبیعت مردم را مدیریت کند
حاکم باید در اعمال خود خونسردی را نشان دهد
و اثرات متضاد را پیشبینی کند
با تلاش کردن برای جلوگیری از پیامدهای منفی
او باید ده خود را هر لحظه ضرب کند
سپس مقاومت
برای اهداف او ظهور نخواهد کرد
آن قدرت محدود بیرونی را نخواهد داشت
که قادر به رعایت خونسردی منطقی می باشد

بین دولت و مادری شباهت هایی وجود دارند:
مردم متمایز را با وحدت کنار هم قرار می گیرد
و هدف این است که حضور گونه ها را طولانی تر کند
وقتی حاکم این را متوجه می شود
– او مسئولیت مادر را بر دوش خود می گذارد
سپس است که قدرت او پایه و ریشه های قوی دارد
او می تواند زندگی جهان را طولانی تر کند و آینده را بهسازی کند

60
پختن غذاهای خوشمزه از ماهی کوچک
– نیاز به کار و تحمل بزرگ دارد
و همین مسئله در مورد
مدیریت دولتی صادق است
هنگامی که حاکم در طول مدیریت به دنبال رعایت دائو است
ارواح عجله، غیر تحمل و غفلت به چیزهای کوچک
نمی تواند در کارها به او دخالت کند
– و خود او به خدمتکاران آسیب نخواهد رسید
ده آنها در ضرب متقابل ادغام خواهد شد

61
مشخص است، "همه راه ها به رم ختم می شود":
کشور بزرگ – جایی برای تمرکز است
و تعداد بیشماری از جریان ها در رودخانه جمع می شوند
و آب های آنها به عنوان یک واحد به اقیانوس می رود
و هم آرزوهای متنوع مردم
با یافتن مرکز اتحاد در کشور
ارگانیسم واحد را ایجاد می کنند

:کشور مانند همسر ارزش انفعال دارد
با درک تاثیرات بیرونی
ابتکار اطاعت مردانه را تسخیر می کنی
– فعال بودن غیر فعال بودن را جذب می کند
وهمیشه به پیروزی می رسد

کشور بزرگ در برابر با همسایه بی قرار کوچک
به اندازه کافی منفعل است
تا همسایه را به طرز قابل ملاحظه ای جذب کند
وقتی دولت کوچک به متجاوز بزرگ اذعان می کند
و اجازه می دهد تا خود را منفعل جذب کند
با این حال فرصتی برای اضافه کردن
منابع جدید به منابع قدیمی دریافت می کند
با این حا در نتیجه کشور بزرگ ایجاد می شود

:اتحاد به همه شانس های جدید می بخشد
کشور بزرگ خدمتکاران بیشتری کسب می کند
و مردم کشور کوچک فرصت های ناشناخته از قبل به دست می آورند
برنابراین، هر دو آنچه را که می خواستند، به دست می آورند
اطاعت – منجر به بزرگی می شود

62
– ذات محرمانه پدیده ها دائو را معرفی می کند
گنجینه خوبی که غیر خوب پشتیبانی می کند

چه کسی از سخنان مهربان قدردانی می کند
و شرافت کارهای زیبا
هنگامی که به عنوان کنتراست
هیچ شروری در خود نمی داند؟
پشت خروج مجلل کاخ
با تماشای مقامات عالی رتبه
آیا بهتر نیست از مرد دانا قدردانی کنی
که با نشستن به طور اراسته به دائو می رسد؟

آیا به این دلیل است که مردم قدیمی به دائو احترام می گذاشتند
که اندازه ارزش در آن به دست آوردند؟
قصد نداشتند ثروت را کسب کنند
آنها غیوب خود را درک می کردند
– و بدون خشونت سعی می کردند بر آن غلبه کنند
به همین دلیل دائو را در چین بالا می بردند

63
عدم فعالیت را حفظ کن، به آرامش ترجیح بده
طعم فعالیت بی مزه را حس کن
در کمیت زیادی پیدا کن، موارد کمی را به عنوان چیزی بزرگ در نظر بگیر
و جواب نفرین های عصبانی ده آرام را بده
از سختی ها شروع کن، که هنوز در مراحل ابتدایی خود است
چیزهای بزرگ را شروع کن – از جوانه های کوچک

چون مشکلات پیچیده ای از چیزهای کوچک به وجود می آیند
و راه بزرگ شامل قدم های کوچک است

64
آن چیزی که بی حرکت است فقط در اختیار بگیر
و موارد تعیین نشده را به راحتی در اختیار قرار گرفته می شود
آن چیزی که سخت نیست، به راحتی می توان آن را در گرد و غبار خرد کرد
و چیزهای کوچک با موفقیت پاشیده می شود
با چیزی کار کن که هنوز ظاهر نشده است
ترتیب را زودتر از
امکان مشاهده روح ناراحتی بچین
از بلوط، درخت بلوط با ضخامت رشد می کند
برج بزرگ از قطعه زمین آغاز می شود
و راه با طول صدها لی
از زیر پای تو شروع می شود

فرد فعال – کار را خراب می کند، و فرد جویا – از دست می دهد
فرد شتابزده – در آستانه موفقیت، شکست را استقبال می کند
مرد دانا عمل نمی کند، و بنابراین شکست نمی خورد
او بدون داشتن، از دست می دهد و مشتاق ثروتمند شدن نیست
در پایان کار، مانند در آغاز، احتیاط را نشان می دهد
و برنابراین کار با موفقیت به پایان می رساند
مرد دانا تمایل به آرزوها دارد
به آنچه اکثریت ارزش می دهند، او ارزش نمی دهد
او مواردی را می آموزد که فراتر از درک هستند
و به آن چیزی بر می گردد، که بقیه بدون توجه می گذارند
با حفظ طبیعت خودجوش تمام چیزها
او جرات نمی کند بر آنها تاثیر بگذارد

65
پیشینیانی که دائو را کاملا درک می کردند
سعی می کردند از مردم عادی محافظت کنند
– از آگاهی از اقدامات مقامات
در نادانی در مورد روش های حکومت، مردم خود را رها می کردند
چون کشور زیاد ویران می شود
وقتی مردم بیش از حد در مورد حکومت می داند
در حالی که کشور در رفاه است
هنگامی که کشوربدون مدیریت اضافه اداره می شود

حاکمی که این روند را می فهمد
نمونه ای برای رویکرد معقول کار را نشان می دهد
به منظور استفاده موفقیت آمیز از این ایده آل
باید ده بالا را داشته باشی
توانایی تفکر عمیق و گسترده ده را معرفی می کند
حامل آن می تواند در همه چیز نقطه مقابل را درک کند
و برنابراین همه چیز به وحدت و هماهنگی بر می گردد

66
رودخانه ها و دریاها قادر به صاحب دره ها هستند
فقط به این دلیل است که سعی می کنند به پایین تخلیه شوند

کسی که می خواهد مقام بالا را اشغال کند
باید با مردم از پایین به بالا صحبت کند
و کسی که می خواهد اول باشد
با نمایش وار از پشت ایستاده باشد
وقتی مرد دانا این کار را می کند
هنگامی که به بالا رسیده است
او نمی تواند همانند بار باشد
و حتی با رفتن جلو
مانعی در راه به نظر نمی رسد
مردم او را با آمادگی به جلو سوق می دهند
و در مشکلات خود مقصیر نمی دانند
مرد دانا با هیچ کسی مبارزه نمی کند، و بنابراین
هیچ رقیبی شایسته برای او وجود ندارد

67
هیچ ارتباطی برای همیشه نیست
هر چیزی که برای مقایسه اندازه دارد
معنی اندازه گیری را با گذشت زمان از دست می دهد
و ارتباطی را با اندازه معکوس می کند:
هر چیزی که کمتر داشت، بیشتر خواهد شد
و زیادی – زمان را کاهش می دهد
به همین دلیل است که عظمت دائو غیر قابل تغییر است
و هیچ چیزی در دنیای واقعی با او قابل مقایسه نیست

اما هر سه مورد برای من بسیار با ارزش است:
خودگذشتگی در عشقی که شجاعت می دهد
عدم تناسب در همه چیز که منجر به سخاوت می شود
و فروتنی که احترام کشور را برای حکومت می آورد –
تعادل هماهنگی تضادها را ایجاد می کند
کسی که تعادل را به سخاوت یا شجاعت جابجا می کند
یا در خلسه با حکومت، تواضع را فراموش می کند
نابودی در انتظار اوست
عشق همیشه در نبرد پیروزی می آورد
و دسترس ناپذیر دفاع می کند
کسی که دوست دارد – از آسمان حفاظت می کند

68
جنگجو با تجربه – مشتاق نبرد نیست
جنگجو کار کشته کنترل بر روی خود از دست نمی دهد
استراتژیست هوشمند در میدان نبرد وارد نمی شود
رهبر بزرگ، با آرزوی در اختیار داشتن مردم مطابق با اراده خود
در توهین خود متوقف نخواهد شد
پیروزی بدون خشونت یک استعداد است
مدیریت مردم بدون تلاش یک هنر است
پیوند با اسمان و تجربه باستان است

69
هنر جنگ می گوید: "فرصت را برای حرکت حفظ کن":

به جای "پذیرایی از میهمانا" با ایستادن، "مهمان" بودن مفیدتر است
به جای حرکت واضع به جلو، عقب نشینی مفیدتر است
سربازان را حرکت بده و حرکت آنها را پنهان کن
آماده باش، اما آمادگی را نشان نده
– دشمن را مجبور کن تا بی فایده اعتصاب کند
"این همه وسایل پیروزی گرفتن بدون مبارزه است

اما هیچ چیز بزرگتراز یک دشمن ضعیف وجود ندارد:
وقتی پیروزی آسان به نظر می رسد
– مقررات لازم را به راحتی فراموش می کنی
و آن چیزی که ارزشش را می دانی، از دست می رود

در هنگامی که ارتش ها جمع می شوند و برد شروع می شود
کسی که از این پشیمان می شود، پیروز خواهد شد

70
– به نظرم می رسد که من خیلی ساده حرف می زنم، و آرزوهای من روشن هستند
اما درکی در کسی نمی بینم
مشکل این است که
گفتار و کاردار – فقط پیامدهای بیرونی آگاهی است
منابع آن از روح های حرکت غیر قابل توصیف است
چیزی که هیچ کس نمی تواند به طور مستقیم در موارد دیگر درک کند

منحصر به فرد بودن قیمت را برای ما بالا می برد
– و مشکلات در گفتار هم به همراه می آورد
و مرد دانا مغرورانه جواهر را در قلب خود دارد
و مردم فقط لباس های زبر را می بینند

71
آگاهی از جهل خود – دستاورد بزرگ است
ندانستن محدودیت های دانش – شامل دردسر درک است
درد از درک بدبختی منجر به کاهش آسیب می شود:
مرد دانا از منشا تصورات غلط احتمالی آگاه است
و برنابراین، هرگز اشتباه نمی کند

72
وقتی مردم را با خشونت مجبور به اطاعت می کندد
معمولا واکنش معکوس ایجاد می شود:
برای ظلم و ستم مردم تحقیر می شوند
هنگامی که حکومت با ترس پشتیبانی نمی شود
واقعا به عظمت می رسد
حاکم هوشمند با فهمیدن قدرت حکومت
هرگز آن را نشان نمی دهد
– نیاز به پرستش ندارد و احترام به خودش حفظ می کند
او اثر بشخی را به جای پوچ و بی ارزش ترجیح می دهد

73
کسی که ترس را نمی داند و جرات برای عملیات دارد
خود و دیگران را به مرگ محکوم می کند

و فرد فروتن و بی صدا، که هیچ ترسی نمی داند
می داند که چگونه از مرگ نجات دهد و نجات یابد

هر دو آرمان های خوب دارند
:اما ترجیحات غیر قابل توضیح برای آسمان دارند
در نتیجه خوب یا بد اتفاق خواهد افتاد
مرد دانا هرگز جرات پیشبینی نمی کند

سرنوشت بدون مبارزه شیردل پیروز می شود
بدون صدا می آید، بدون کلمات پاسخ می دهد
– شبکه های اندکی بدون طرح پراکنده هستند
اما هیچ کس در کره زمین نمی تواند از آن عبور کند

74
:مردم را نباید با مرگ بترسانی
هیچ معنی برای ترساندن مردم بی باک وجود ندارد
و از آنجا که مردم از مرگ می ترسند
اما کسی به دنبال شکستن قانون است
تا احترام مردم از بین نرود
باید تهدید خود را برآورده کنند
– متخلفین را دستگیر کنند و بکشند
آیا می توانی در مورد این تصمیم بگیری؟

– کسی وجود دارد که همیشه تصمیم می گیرد
برای همیشه حکم خود را تصویب می کند
و خودش آن را اجرا می کند
فریب خورده نباید تبر در دست خود بگیرد

– به دلیل مرگ استاد سعی می کند با تبر خرد کند
فقط خطر آسیب رساندن به دست های خود داری

75
به دلیل مالیات های دزدی شده مردم گرسنه هستند
:اسرار در مدیریت باعث نبرد می شود
وقتی مردم چیزی برای از دست دادن ندارند
آنها نمی ترسند بمیرند
به هر حال، مقامات جان آنها را از بین می برند

زمانی که حاکم به زندگی خود بیش از حد ارزش می دهد
او به طور عینی قیمت زندگی را کاهش می دهد
فقط کسی که صمیمانه از خودش غفلت می کند
قادر به دادن ارزش به کل زندگی می باشد

76
شخص ضعیف است در حالی که زندگی می کند
– نرم و آسیب پذیر است
اما وقتی می میرد
ارگانیسم حساس، خشک و سفت خواهد شد

:همه موجودات به سمت آن می روند
– اشخاص انعطاف پذیر و ضعیف زندگی را شروع می کنند
اسکلت خشک راه را تمام می کند
با این حال ظرافت - یک ویژگی زندگی است
سختی خشک – نماد مرگ است

قدرت احمقانه در انتظار شر است
برای درخت بلوط قوی تبر آماده است
چی چیزی که قدرتمند و محکم است – به پایان می رود
فقط ضعف انتعطاف پذیر در حال رشد است

77
وقتی جنگجو کمان می کشد
او سر بالایی را با زه خم می کند
و گوشه پایین را بالا می برد
هر چه مازاد زه قوی تر باشد
– محدوده حرکت دست بیشتر است
و تلاش مهیب قوس های کشی بیشتر است
:و دائو همینطور عمل می کند
به منظور مدیریت موثر جهان
سعی می کند هرگونه مازاد را کم کند
و کمبود را پر کند

فقط آداب و رسوم مردم با دائو متفاوت هستند
که از کسی می گیرند که فقیرتر است
و به کسی می دهند که از قبل ثروتمند است
فقط کسی که دائو را درک می کند
خوشحال است که مازاد خود را با جهان به اشتراک بگذارد
گرچه مرد دانا کمکی از کسی نمی خواهد
او از کار انجام شده سربلند نمی شود
و به دنبال دریافت شناخت نیست

78
– هیچ چیز نرمتر و تسلیم گرا از آب نیست
:اما همیشه قادر به بردن چیزهای جامد می باشد
هرگونه تاثیربدون اجبار را می پذرید
و قدرت را بدون اثر جذب می کند
در مورد واقعیتی که نرمی قادر به بردن ماده سختی است
و ضعف می تواند قدرت را فتح کند
احتمالا همه در دنیا می دانند
اما در واقع تعداد کمی از افراد به مرحله انجام می رسانند

و مرد دانا بیهوده تکرار می کند
که فقط آن حاکم خوب است
که بدون چانه زدن شرم کشور را قبول می کند
– و کشور را از همه بدبختی ها مراقبت کند
متناقض بودن حقیقت به عنوان دروغ تلقی می شود

79

هنگامی که مجبور به فروبردن خشم خود می شوی
به هر حال نارضایتی باقی می ماند
– و یک روز به بدی تبدیل خواهد شد
خوب نیست که مردم به فروتنی اجبار شوند

مرد دانا ترجیح می دهد مسئولیت هایی را به عهده خود بگیرد
تا درخواست رعایت تعهدات ناآشنا باشد
حامل ده، اجرای توافق را اصلی می داند
آنجایی که شخص دیگر فقط به دنبال سود است

– دائو در میان همه مردم کسی را به طور بی طرفانه انتخاب نمی کند
سرنوشت از کسی که وظیفه خود را انجام می دهد، استقبال می کند

80
من آرزوی کشور کوچک را دارم
که در آنجا ساکنان کم وجود دارند و همه از هم دیگر خوشحال هستند
از وجود خود کاملا راضی هستند
آنها از مرگ می ترسند و به سرزمین های دوردست احتیاج ندارند

آنها همه چیز را دارند تا حسادت را نداشته باشند
اما جایی برای استفاده از ابزارها نیست
و آنها قایق ها و ارابه ها را دارند
اما هیچ کس نمی خواهد در آنها سفر کند
گرچه اسلحه برای آرام شدن وجود دارد
اما هیچ آرزویی برای فتح وجود ندارند
با رد کردن تمام اختراعات افراد عاقل
آنها دوباره به آداب و رسوم پدران خود برگشتند

غذای ساده آنها برای من شیرین می شد
لباس دوخته شده در خانه عالی به نظر می رسید
زندگی در خانه های آنها آرام و آسان است
و آداب و رسوم آنها زیباست

فرض کنیم فقط یک قدم به کشور همسایه وجود می داشت
و من می توانستم صدای سگها را از آنجا بشنوم
من سالها زندگی می کردم و با مردم غریبه رو به رو نمی شدم
قبل از مرگ به جایی نمی رفتم و به جایی بر نمی گشتم

81
سخنان درست هرگز زیبا نیست
کلمات زیبا قانع نمی شوند

کرامت خود را در هنگام اختلاف نظر بیان نمی کند
هر کسی که مخالفت می کند، حقیقت را ندارد

درک حقیقت – آموزش نیست
و مجموع اطلاعات – هنوز دانش نیست

کسی که احمقانه دانش را جمع می کند، هوش خود را نشان نمی دهد
هر چه بیشتر مرد دانا عطا می کند، بیشتر به دست می آورد

دائو آسمان زندگی را بدون آسیب رساندن به جهان وا می گذارد
دائو مرد دانا تربیت می کند و هرگز درگیر بحث و گفتگو نمی شود